



۲۰۱۹/۰۵/۱۲



م. ص. اندر

## روز جهانی مادر به همه مادران خجسته باد در ستایش موجود مقدس زن یعنی "مادر"



زمانی من می خواهم در صفت و تقدس زن چیزی بگویم ناخود آگاه چهره پاک مادر را در آن می بینم، چون زن موجود پاکی است به عظمت مادر. خداوند عظیم عشق و محبت را در خلقت زن دید و همان بود که زن را در پهلوی آدم قرار داد تا آدم عشق و محبت بیاموزد.

عشق است که سبب تکامل و رشد واقعی می شود. بلی، شیر پاک مادر است که وجدان را عشق می آموزد، می پروراند و به مقام قاب قوسین می رساند. آنانی که با بشریت عشق ورزیدند و پیام ها و نصایح بزرگی به عظمت کتب از خود بجا گذاشتند مانند ابن سیناها، ابن رشد، جمال الدین ها، هوگواها، گل پاچاها، بالزاکها، مولاناها، سعدیها، حافظها، خوشالها، بیدلها، خلیلیها، داستایوفسکیها، ارسطوها، رابعهها، ناصرها، جامیها، مخفیها و هزاران ابر زنان و ابر مردان تاریخ. اینها همه و همه عشق را از آغازین روز زندگی در مکتب عشق که آغوش پر مهر مادر است آموخته اند.

اوج و بلندی که مولانا می خواهد انسان به آن نایل آید از آغوش تو آموخته است که می گوید:

از فلک هم بایدم جستن ز جو  
کل شی هالک الا وجهه  
بار دیگر از ملک پران شوم  
آنچه آن در وهم ناید آن شوم

بلاریب که بزرگترین صفت، بزرگترین تحسین، زیباترین تقدیس، شیرین ترین کلمه و بالاخره گرامی ترین از همه صفات همانا یک صفت برای زن کافی است و آن کلمه مقدس مادر است چون عزتمندترین موجودات، اشرف ترین مخلوقات و گرامی ترین انسان و سردار کونین صلی الله علیه وسلم نیز زن را با کلمه مادر صفت کرده است و حقوقش را گرامی داشته است.

بلی، سردار کاینات صلی الله علیه وسلم از آغوش مادر مهربان به زندگی آغاز کرد، رشد نمود، محبت آموخت و بالاخره به مقام عظیم نبوت مبعوث شد و از آنجا به مقام والای عرش رسید، از همین جاست که من آغوش مادر را عرش کوچک می دانم.

## ای مادرم!

با چه کلمات زیبا ترا بستایم، با کدام الفاظ پاک ترا تقدیس کنم؟ زمانی می خواهم چیزی در ستایش تو بگویم و آنرا روی صفحه کاغذ بنویسم، اشک از چشمانم سرازیر می شود و چنان در عشق تو غرق می شوم گویا راهی یک دنیای دیگری شده ام.

## بلی، مادر زیبایم!

نخستین بار چشمم به چهره زیبای تو نگریسته است، نخستین بار آواز ملکوتی ترا شنیده ام، نخستین بار تبسم مقدس ترا دیده ام، نخستین بار تپش قلب پاک و مقدس ترا در قلبم احساس کرده ام، نخستین بار دستان مبارک تو مرا نوازیده است، وجدانم با شیر پاک تو آبداری شده و رشد کرده است، محبت را از آغوش پاک و معطر تو آموخته ام، و بالاخره تقدس خدا را در تقدس تو دریافته ام.

## مادر مقدسم!

آنچه من در دل دارم نمی توانم روی کاغذ در ستایش تو بنویسم چون تو والاتر از آنی، تقدس تو والاتر از تقدس قلم است، تقدس تو والاتر از تقدس روح من است، تقدس تبسم معصومانه تو مقدس تر از آنست که تقدیس شود چون من حدی در تقدیس آن نمی بینم، مرا عفو کن چون من به زیبایی تو کلمات زیبایی ندارم.

من شب های طولانی را به یاد دارم که به خاطر آرامش من زنده داری کردی، گریه هایم را با تبسم پاسخ دادی، آغوش پاکت را در هر لحظه به خاطر آرامش من گسترده داشتی و چنان با شفقت مقدس مادرانه مرا می نواختی که من با وجود آنکه هیچ چیز نمی دانستم و اما تبسم ترا درک میکردم و آرام میگرفتم چون عشق واقعی مادری در آن نهفته بود.

من نمی خواهم از حالت زار زن و مادر درین ماتمکده چیزی بنویسم چون ناگفته همه آشکار است که درین ماتمکده چه می گذرد، عاشقان دون صفت مادیات همین موجود مقدس را مانند مطاعی در قمارخانه زندگی پلید مادی به فروش می رسانند، گلوی شانرا خفه کرده اند و بالای حقوق حقه شان پا گذاشته اند، وحشی صفتان مانند حیوانات درنده به جان معصوم زن افتاده و زبان و بینی شان را نیز بریده اند، در بدل حیوانات حتی به فروش رسیده اند، با بیرحمی کامل در بدل پول به انسانهای بیضمیر بگفته خود شان به نکاح درآمده اند (چون چنین نکاحی در اسلام وجود ندارد). از همه غم انگیزتر آنست که زنها از زیر یوغ ظلم یک وحشی صفت فرار می کنند و در جای دیگری که آنرا خانه امن می نامند پناه می برند و اما آن موجودات معصوم نمی دانند که آن محل پست تر و پلید تر از آن است که وی از آنجا فرار کرده است.

نه تنها درین ماتمکده بلکه حتی در غرب که خود را حامی حقوق انسان می دانند، زن را مانند کالا در بازار پست مادیات به نمایش میگذارند و به تن فروشی وامیدارند، از بدو زندگی این موجود معصوم تحت تجاوز قرار دارد به استثنای زنانی که خوشبختانه در پهلوی انسان های واقعی قرار گرفته اند.

مقام والایی که زن دارد و خداوند آن مقام والا را به این موجود مقدس اعطا کرده است تا حال نه در اینجا و نه در آنجا این موجود معصوم به آن نایل آمده است و از همان حقوق حقه اش در هیچ زمانی مستفید نشده است.

من همواره میگویم که زن محتاج روزی نیست که از آن تجلیل به عمل آورده شود چون زندگی بشری همه و همه مدیون احسان، مدیون محبت و مدیون تقدس زن است چون وی موجودیست به عظمت مادر و هرزمانی که وی با این کلمه مقدس خطاب می شود تجلیی ست بسا عظیم و گرامی، بلکه من چشم براه روزی هستم که زن "مادر" از همه قیودی که ماده پرستان دون همت به پای این موجود بسا عظیم بسته اند رهایی یابد و بتواند از حقوق حقه اش مستفید شود و نه به شکل تشریفاتی که در بحث روی حقوق زن گلو ها پاره شود و اما در عمل همان شعله های سوزان آتش باشد و همان سینه پاک زن.

**به امید روزی که دیگر اشک در چشمان زیبای مادرم دیده نشود،**

**به امید روزی که همواره تبسم لبان مقدس مادر زیبایم را به رقص آرد**

**گرامی باد مقام بس والای مادر،**

**موجودی که جنت را خداوند**

**زیر پای مبارک وی**

**قرار داده است**

**\*\*\* \*\***

**\***



**م. ص . اندر**